

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه ۱۷، مکاشفه ویژه، کتاب مقدس، ارزیابی هفت دیدگاه در مورد الهام، الهیات الهام، نتایج الهام

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۱۷ است، مکاشفه ویژه، کتاب مقدس، ارزیابی هفت دیدگاه الهام، الهیات الهام، نتایج الهام.

ما سخنرانی‌هایمان را در مورد مکاشفه ویژه، به ویژه در کتاب مقدس، که نقطه اوج دوره ماست، ادامه می‌دهیم.

ما هفت دیدگاه در مورد الهام را مطرح کردیم و اکنون زمان آن رسیده است که قبل از ارائه دیدگاه انجیلی در مورد الهام، آنها را ارزیابی کنیم. ارزیابی دیدگاه‌های الهام. اول از همه، نظریه شهود

برخلاف نظریه شهود، الهام ربطی به نواخ مذهبی که از بینش معنوی استفاده می‌کنند، ندارد. الهام کار ویژه خداست که کلام خود را از طریق نویسندگان کتاب مقدس بیان می‌کند. خداوند نویسنده کتاب مقدس به معنایی بسیار پی‌واسطه‌تر از آنچه این نظریه اجازه می‌دهد، است.

این فقط به معنای مستقیم فعالیت خدا را از طریق نبوغ مذهبی مجاز می‌داند، که می‌توان گفت، خوب، این موهبت خداست، اما هیچ نظارت ویژه‌ای از جانب روح‌القدس هنگام نوشتن نویسندگان وجود ندارد. درست است که الهام را شامل آماده‌سازی مشیت الهی نویسندگان قبل از نوشتن بدانیم. این سهم بزرگی از بی‌بی. وارفیلد و پیروان قدیمی پرینستون است.

درست است که الهام را به عنوان آماده‌سازی مشیت الهی برای نویسندگان قبل از نوشتن در نظر بگیریم. در این راستا، بزرگ شدن موسی در خانه دختر فرعون و سرگردانی‌های واقعی موسی در بیابان، او را واجد شرایط نوشتن برخی از موضوعاتی می‌کند که در اسفار پنجگانه، به ویژه در خروج و اعداد، انجام داده است. گفتن اینکه خدا تنها به این معنا منبع کتاب مقدس است که به آن نویسندگان آگاهی مذهبی بالایی بخشیده، نادرست است.

خدا منبع کلام خود است، زیرا او نویسنده نهایی آن است. روح، نویسندگان را هدایت کرد تا از جانب خدا سخن بگویند، دوم پطرس ۱:۲۱. نظریه اشراق

برخلاف نظریه اشراق، الهام کتاب مقدس نه تنها از نظر درجه، بلکه از نظر نوع نیز با سایر انواع الهام متفاوت است. هر بخش از کتاب مقدس نتیجه کلام خداست، دوم تیموتائوس ۳:۱۶. تمام کتاب مقدس الهام خداست، کلام خداست.

نظریه پویا در این دیدگاه که هم خدا و هم انسان‌ها به طور فعال در تولید کتاب مقدس با هم همکاری می‌کنند، درست است. این یک پیشرفت است. این دیدگاه بهتری است زیرا خدا و نویسندگان انسانی در تولید کتاب مقدس نقش داشته‌اند.

خداوند با نویسندگان کتاب مقدس همکاری می‌کند و از سبک‌ها، واژگان و شخصیت‌های آنها برای بیان کلام خود استفاده می‌کند. انسان‌های واقعی وقتی کلام خدا را می‌نویسند، صحبت می‌کنند. با این حال، این نظریه وقتی تأثیر خدا را به اندیشه‌های کتاب مقدس محدود می‌کند، نظریه پویا را اشتباه می‌گیرد.

خدا همچنین نفس می‌کشد و کلمات کتاب مقدس را بیان می‌کند، دوم تیموتائوس ۳:۱۶. نظریه کلامی الهام در آنچه تأیید می‌کند صحیح است، اما ناقص است. کافی نیست که تأیید کنیم که خدا کلمات کتاب مقدس را الهام می‌کند و دیکته را انکار کنیم، اگرچه هر دو چیز خوب هستند.

برخلاف نظریه شهود و نظریه اشراق، خداوند کلمات را الهام می‌کند و این نظریه، همانطور که نظریه کلامی از آن حمایت می‌کند، صحیح است. او کلمات را به موجب دیکته الهی الهام نمی‌کند، حداقل معمولاً در کتاب مقدس اینطور است. به طور غیرمعمول، در برخی موارد، چند چیز دیکته می‌شود، اما به آن شکل رایج نیست.

کافی نیست که تأیید کنیم خدا الهام‌بخش کلام کتاب مقدس است و دیکته کردن آن را رد کنیم. کتاب مقدس اطلاعاتی ارائه می‌دهد که ما را به صحبت بیشتر در مورد تولید کتاب مقدس سوق می‌دهد. همکاری الهی انسان و خدا در نظریه پویا نیز بخش مهمی از نظریه الهام کتاب مقدس است.

بنابراین نظریه کلامی پیشرفت بزرگی نسبت به نظریه‌هایی مانند شهود و نظریه‌های اشراق است، اما ناقص است. نظریه دیکته به درستی تأیید می‌کند که کلمات کتاب مقدس، کلمات خدا هستند. و از قضا، منظور پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها از استفاده از کلمه دیکته همین بوده است.

آنها در مورد نحوه الهام خدا یا چگونگی الهام او از کتاب مقدس صحبت نمی‌کردند. نظریه دیکته به درستی تأیید می‌کند که کلمات کتاب مقدس کلام خدا هستند، اما به اشتباه دیکته را به عنوان نحوه الهام مطرح می‌کند. ابزار، روش و بخش‌هایی از کتاب مقدس دیکته شده‌اند.

برای مثال، ده فرمان. با این وجود، سبک‌ها و واژگان متفاوت نویسندگان، بیان لوقا یک، یک، چهار که او مطالعه کرده است، و سایر داده‌های کتاب مقدس، اجازه دیکته کردن کل متن را نمی‌دهد. من باید لوقا یک، یک، چهار را بخوانم، چون بارها به آن اشاره کرده‌ام بدون اینکه آن را بخوانم، به اندازه لوقا خوب نیست. زیرا بسیاری تلاش کرده‌اند روایتی از چیزهایی که در میان ما انجام شده است را گردآوری کنند.

همانطور که کسانی که از ابتدا شاهدان عینی و خادمان کلام بودند، آنها را به ما رسانده‌اند. من نیز که مدتی است همه چیز را از نزدیک دنبال می‌کنم، صلاح دیدم که شرحی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس بنویسم تا از آنچه آموخته‌اید، مطمئن شوید. لوقا لوقا را مطالعه کرد و فکر می‌کرد که او به طور فعال با ذهن خود در تحقیق مشغول است تا برای نوشتن کتاب مقدس آماده شود.

و خدا این را در نظر گرفت. خدا کتاب مقدس را از طریق نویسندگان انسانی نوشته است. من هنوز در مورد نظریه دیکته صحبت می‌کنم.

نتیجه، کلام خدا به زبان بشر است. این تجلی فیض خداست، زیرا او خود را از طریق بشر به بشر آشکار می‌کند. بنابراین، کتاب مقدس، زبانی نیست که خدا به آن صحبت می‌کند، زبانی که فقط خودش می‌داند یا زبانی که فرشتگان به آن صحبت می‌کنند.

این کلام خدا در قالب کلمات انسانی است. دیدگاه نئوارتدوکس به درستی اهمیت وحی شخصی خدا را تأیید می‌کند، اما حداقل از چهار جهت اشتباه می‌کند. اول، انکار می‌کند که وحی شخصی در قالب کلمات رخ می‌دهد. و یک دوگانگی کاذب بین الهام شخصی و کلامی قائل است.

کتاب مقدس، روایات، مزامیر و تمثیل‌ها به خودی خود هدف نیستند. بلکه آنها وسیله‌ای از جانب خدا برای جلب مردم به سوی دوستی با او هستند. بنابراین، بله، نئوآرتدوکس بر شخصی بودن وحی تأکید دارد.

این خوبه. خوبه. اما لازم نیست این رو در مقابل وحی شفاهی قرار بدن.

این یک وحی شفاهی شخصی است و خداوند قادر به انجام آن است. دوم، دیدگاه نئوآرتدوکس، نظریه شفاهی را به سخره می‌گیرد. اگرچه خداوند بخش‌هایی از کتاب مقدس را دیکته می‌کند، اما او عمدتاً از تجربیات، واژگان و غیره نویسنده برای تولید کلام مقدس خود استفاده می‌کند.

انجیل‌گرایان پیوسته نظریه دیکته را رد کرده‌اند و در عوض، دیدگاهی ارگانیک از الهام را پذیرفته‌اند که در آن خدا و نویسندگان انسانی نقش دارند - واقعاً وقتی می‌خواهم خلاصه کنم، بیشتر در مورد آن صحبت می‌کنم. من خلاق نیستم.

دیدگاه انجیلی و ارتدوکس از کتاب مقدس. انجیلی‌ها دائماً نظریه دیکته را رد می‌کنند و در عوض دیدگاه ارگانیکی از الهام را می‌پذیرند که در آن خدا و نویسندگان انسانی نقش دارند. به طریقی که ما نمی‌فهمیم، خدا نوشته‌های آنها را هدایت می‌کند، همانطور که، نقل قول، مردان از جانب خدا سخن می‌گفتند، همانطور که توسط روح القدس هدایت می‌شدند. دوم پطرس ۱:۲۱.

سوم، دیدگاه نئوآرتدوکس شایسته نقد است زیرا خدا خود را در عمل و کلام آشکار می‌کند. بنابراین، کتاب الهیات کتاب مقدس جورج لاد، وحی منظم خدا را به عنوان وحی عمل با خط فاصله توصیف می‌کند.

خدا در تاریخ عمل می‌کند، اما خود را در اعمال آشکار می‌کند، همانطور که در سرود موسی و سرود مریم پس از خروج از مصر دیدیم. اما اعمال خود به خود تفسیر نمی‌شوند. مردم خاور نزدیک باستان که از بلاها و خروج شنیده بودند، به طور خودکار نتیجه نمی‌گرفتند که یهوه تنها خدای حقیقی و زنده است و تمام خدایان خود را رها کنند.

این مسخره است. نه، آنها حتی اگر این را می‌شنیدند و با توجه به جهان‌بینی خودشان، که شامل خدایان خودشان هم می‌شود، به آن ایمان می‌آوردند، چنین برداشتی می‌کردند. علاوه بر این، بزرگترین عمل، یعنی مصلوب کردن خداوند ما عیسی، توسط افرادی که در پای صلیب ایستاده بودند، اشتباه تفسیر شد.

اعمال خود به خود تفسیر نمی‌شوند. آنها باید تفسیر شوند تا ما آنها را بفهمیم. و خدا هر دو را انجام می‌دهد.

او عمل می‌کند و سخن می‌گوید. وحی او وحی عمل و کلام است. جورج لاد دقیقاً درست می‌گوید.

خدا در تاریخ عمل می‌کند، اما اعمال خودشان را تفسیر نمی‌کنند. بنابراین، خدا عمل می‌کند و سخن می‌گوید. تا اعمال خود را تفسیر کند.

چهارمین انتقاد از دیدگاه نئوآرتدوکس در مورد الهام این است. اگرچه مردم همیشه از نظر معنوی سود نمی‌برند، و اگرچه مردم همیشه از کلام خدا سود معنوی نمی‌برند، اما چه از آن سود ببرند چه نبرند، این حقیقت دارد. بدون ایمان، آنها از آن سود نمی‌برند. با این وجود، وحی چه آنها آن را به خود اختصاص دهند چه ندهند، رخ می‌دهد.

بله، اگر قرار است کسی نجات یابد، جنبه‌ی ذهنی مهم است و این نیز کار روح‌القدس است. روحی که کلام را عطا کرده است، در گیرنده، در واعظان کلام و همچنین در گیرندگان کلام عمل می‌کند و آنها را قادر به درک آن می‌سازد. او بسیاری از مردم را هنگام شنیدن کلام روشن می‌کند و حتی به آنها هدیه‌ی ایمان نجات‌بخش را می‌دهد.

در اول قرن‌تین ۱۲، در اوایل، هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به واسطه روح القدس. رومیان ۸، حدود آیه ۱۵، ما روح فرزندخواندگی را دریافت می‌کنیم که به وسیله آن، یعنی «ابا پدر» فریاد می‌زنیم. روح القدس گناهکاران، کسانی که فرزندان خدا نیستند، را قادر می‌سازد تا با فریاد ایمان، خدا را پدر بخوانند و فرزندان خدا شوند.

هر که ایمان دارد که عیسی، مسیح است، اول یوحنا ۵، ۱ از خدا زاده شده است. کار احیاکننده‌ی خدا توسط روح، مردم را قادر می‌سازد تا به خداوند عیسی ایمان نجات‌بخش داشته باشند. اما با این وجود، چه مردم به کتاب مقدس ایمان داشته باشند و چه نداشته باشند، این وحی خداست.

می‌خواهم به کتابی اشاره کنم که آسیب بزرگی وارد کرده است. نویسندگان آن مؤمن بودند، شکی نیست، اما جک راجرز و دونالد مک‌کیم کتاب «مرجعیت و تفسیر کتاب مقدس و رویکرد تاریخی» را در سال ۱۹۹۹ نوشتند. آنها در سراسر آن کتاب، یک دوگانگی کاذب، جدایی بین وحی شخصی و کلامی را مطرح می‌کنند ۱۹۹۹.

شرم‌آور است. جان وودبریج کتابی نوشته است، جان وودبریج، با عنوانی که از ذهنم می‌پرد [مرجعیت کتاب مقدس، خطاناپذیری و بی‌خطایی در سنت مسیحی]. [او پاسخی بسیار خوب به آنها نوشته است.

نظریه «محدود بودن خطاناپذیری» به درستی این موضوع را که کتاب مقدس یک متن تاریخی یا علمی است رد می‌کند. اما اینطور نیست. با این حال، مدافعان آن وقتی آن کتاب مقدس را آموزش می‌دهند، در مسائل مربوط به تاریخ، علم و سایر موضوعات دچار لغزش می‌شوند.

خداوند در کلام خود حقیقت را بیان می‌کند. هدف آن دادن درس تاریخ و علوم نیست. هدف آن نجات و تقدیس قوم خود است.

ما می‌پذیریم که این یک کتاب مذهبی است. خداوند در نگارش خود برای دستیابی به این اهداف بزرگ، در مورد سایر مسائل نیز به درستی صحبت می‌کند، زیرا او خداست، او حقیقت است و او حقیقت دارد. کتاب مقدس ممکن است با دقت علمی مدرن سخن نگوید.

خوشبختانه اینطور نیست، زیرا اگر هم بود، بسیاری از ما نمی‌توانستیم آن را درک کنیم. اما حقیقت را می‌گویند. برخی که به معصومیت محدود اعتقاد دارند، معصومیت را انکار می‌کنند اما به عصمت، آنطور که خودشان می‌گویند، معتقدند، که آن را به عنوان کتاب مقدسی که به طور مداوم اهداف خدا را محقق می‌کند، تعریف می‌کنند.

این، از کلمه خطاناپذیری برای آموزش خطاناپذیری، آموزش نادرستی کتاب مقدس سوءاستفاده می‌کند. کتاب مقدس از ژانرهای ادبی مختلف برای تحقق اهداف متعدد خدا، برای تحقق اهداف متعدد خدا استفاده می‌کند، اما ذاتاً این کار را انجام می‌دهد. مفهوم کتاب مقدسی حقیقت نه تنها شامل وفاداری می‌شود؛ بلکه شامل واقع‌گرایی، دقت واقعی و کامل بودن نیز می‌شود.

برای مقاله‌ای که به این روش استدلال می‌کند، یعنی مقاله‌ای در یک کتاب، به راجر نیکول، مفهوم کتاب مقدسی حقیقت، در کتابی با عنوان «کتاب مقدس و حقیقت»، ویرایش شده توسط دی. ای. کارسون و جان وودبریج، مراجعه کنید. آه، یادداشت‌ها را برای نقد وودبریج از کتاب راجرز و مک‌کیم پیدا کردم. جان دی وودبریج، مرجعیت کتاب مقدس، نقدی بر پیشنهاد راجرز مک‌کیم، گرند ریپدز، زوندروان، ۱۹۸۲، که یعنی تاریخ کتاب را اشتباه نوشته‌ام.

تاریخ اشتباه است. حدس می‌زنم راجرز و مک‌کیم مربوط به سال ۱۹۷۹ باشد. مطمئناً سال ۱۹۹۹ نیست.

اگر وودبریج در سال ۱۹۸۲ پاسخی نوشته باشد، فکر نمی‌کنم به کتابی که ۱۷ سال بعد منتشر شده پاسخی نوشته باشد، مگر اینکه توانایی‌هایی داشته باشد که من از آنها بی‌خبرم. آه، اشتباه تایی در کتاب الهیات. وقت آن است که برخی چیزها را کنار هم بگذاریم و تلاشی برای ارائه، برای ارائه الهیات الهام‌بخش انجام دهیم.

وقت آن رسیده است که الهیات الهام کتاب مقدس را تدوین کنیم. ما از دیدگاه ارگانیک الهام حمایت می‌کنیم که در آن هم خدا و هم انسان‌ها نقش دارند. این دیدگاه، «هماهنگی» نامیده شده است که بر مشارکت در نگارش کتاب مقدس تأکید دارد.

خدا و نویسندگان با هم کار می‌کنند. به آن تلاقی هم می‌گویند، که اینجا در شهر من، سنت لوئیس، منطقی به نظر می‌رسد، جایی که رودخانه‌های میسوری و می‌سی‌سی‌پی به هم می‌رسند. تلاقی دو رودخانه را توصیف می‌کند که به هم می‌ریزند تا یکی شوند.

بنابراین، کتاب مقدس در هم تنیده است. جنبه‌های الهی و انسانی با هم کار می‌کنند تا کلام الهی و انسانی خدا را تولید کنند. بنابراین، صحبت از الهام‌بخشی خدا به نویسندگان، بلکه الهام‌بخشی به کلمات، صحیح نخواهد بود.

دوم تیموتائوس ۳:۱۶، تمام کتاب مقدس از الهام خداست، یا احتمالاً هر بخش از کتاب مقدس از الهام خداست. خدا نویسنده نهایی کتاب مقدس است. این نقطه شروع ماست.

خداوند مستقیماً الهام‌بخش نسخه‌های خطی، یعنی نسخه‌های خطی اصلی کتاب مقدس، است. این نسخه‌ها در واقع متن اصلی کتاب‌های مقدس هستند، نه کپی. خداوند در مشیت خود، کتاب مقدس را در طول قرن‌ها نیز حفظ می‌کند تا کتاب مقدس‌هایی که امروزه در اختیار داریم، کپی‌های قابل اعتمادی باشند.

خداوند از نویسندگان انسانی برای تولید کلام خود استفاده می‌کند. انسان‌ها از جانب خدا سخن گفتند، زیرا روح القدس آنها را هدایت می‌کرد، دوم پطرس ۱:۲۱. روح، نویسندگان را هدایت می‌کند تا کلام او را بیان کنند. کتاب مقدس، نوشته‌ی انسان است.

این یک کتاب انسانی است. ما آن را انکار نمی‌کنیم. من آن را زیرمجموعه‌ای از دکترین فیض می‌دانم، زیرا خدا می‌خواست با انسان‌ها ارتباط برقرار کند.

بنابراین، او از زبان قوم خود در عهد عتیق، یعنی عبری، استفاده کرد. من چند بخش آرامی را می‌دانم، اما بخش عمده آن عبری بود، زیرا زبان قوم او بود. او در نوشتن عهد جدید از زبان‌های رایج خانه، تکالیف پسران کوچک، لیست لباس‌های شسته شده همسران، و یونانی استفاده کرد.

در واقع، محققان مؤمن مدتی نظریه‌ای در مورد یونانی روح القدس داشتند، زیرا عهد جدید با یونانی آتن، باستان، مثلاً ۵۰۰ سال قبل از میلاد، متفاوت بود و با زبانی که امروزه در خیابان‌های آتن صحبت می‌شود،

متفاوت است. آنها فکر می‌کردند که این یونانی روح القدس است. این یک زبان خاص است که توسط خدا داده شده است.

احمقانه نیست، اما اشتباه است زیرا کشف نسخه‌های خطی یونانی، نوشته‌های یونانی، حتی به اندازه نسخه‌های خطی، لیست‌های رخت‌شویی، لیست‌های تکالیف و انواع نوشته‌های رایج، قدرتمند نیست و به همان زبان یونانی رایج عهد جدید یا کوبینه نوشته شده‌اند. بنابراین، معلوم می‌شود که اسکندر کبیر همزمان با تلاش برای فتح جهان، نفوذ یونان را گسترش داد. این یک فرآیند هگلی‌سازی بود.

او زبان یونانی را در همه جا گسترش داد. بنابراین، پطرس و سپس پولس، به خصوص وقتی که در کتاب اعمال رسولان به شهرهای غیریهودی می‌رفتند، ممکن است زبان لیکونیایی را نمی‌دانستند، همانطور که در اعمال رسولان باب ۱۴ دیدیم، اما نیازی هم به دانستن آن نداشتند زیرا او و آنها، لیکونیایی‌ها، مردم لیسترا، به زبان یونانی رایج یا کوبینی صحبت می‌کردند. بنابراین انسانی بودن کتاب مقدس، تمایل خدا را برای برقراری ارتباط با جهان، نه فقط با یهودیان، بلکه با همه افراد در آن جهان عهد جدید، منتقل می‌کند و نشان می‌دهد.

انسانیت کتاب مقدس بدون الوهیت آن، به عبارت دیگر، بدون اینکه کتاب مقدس کلام خدا در قالب کلمات انسانی باشد، بی‌ارزش خواهد بود. انسانیت کتاب مقدس آشکار است. نویسندگان واژگان، سبک‌ها و تأکیدات متفاوتی دارند.

آنها لوقا ۱: ۱ تا ۴ را مطالعه می‌کنند و تجربیات خود را می‌نویسند. اول از همه، یوحنا ۱: ۱ تا ۳، یوحنا می‌گوید، ما، فکر می‌کنم منظور رسولان است، ما دیدیم، شنیدیم، دستان ما کلمه حیات، یعنی خداوند عیسی مسیح را لمس کرد. دوم قرن‌تین ۱۱: ۲۱ تا ۳۳، پولس از زحمات، مجازات‌ها و رنج‌های خود صحبت می‌کند.

این فهرست شگفت‌انگیزی است. کشتی شکسته، با چوب کتک خورده، شکنجه شده، خدای من، جای تعجب است، خب، او را بیرون کولسی رها کردند تا بمیرد، اما خدا او را حفظ کرد تا بتواند به نوشتن ادامه دهد. نکته این است که نویسندگان کتاب مقدس نه تنها مطالعه کردند، بلکه تجربیات خود را نیز نوشتند.

خداوند با لطف خود از انسان‌ها برای ارتباط با انسان‌ها استفاده می‌کند، اما کلام خود را از طریق انسان‌ها به انسان‌ها منتقل کرده است. ما این ایده را که نویسندگان ایده‌های خود را از ذهن خودشان و جدا از خدا گرفته‌اند، رد می‌کنیم. شکی نیست که خداوند از ذهن آنها استفاده می‌کند، اما آنها هرگز اطلاعات خود را صرفاً از خودشان نمی‌گیرند، زیرا هیچ پیشگویی از کتاب مقدس از تفسیر خود پیامبر ناشی نمی‌شود.

دوم پطرس ۱:۲۰. به همین ترتیب، ما تأیید می‌کنیم که خداوند در ارائه کتاب مقدس، هدایت الهی را مد نظر داشته است. او هنگام نوشتن اسفار پنجگانه از تحصیلات و پیشینه موسی استفاده کرد.

او هنگام نوشتن نامه‌های آموزش‌های خاخی پولس استفاده می‌کند، اما ما تأیید می‌کنیم که خداوند در آماده‌سازی نویسندگان، چیزی بیش از اعمال مشیت خود انجام می‌دهد. او نه تنها هدایت می‌کند، بلکه سخن نیز می‌گوید. او هنگام نوشتن نویسندگان، به شیوه‌ای خاص عمل می‌کند.

ناتوانی ما در درک کامل چگونگی انجام این کار توسط خدا تعجب‌آور نیست، زیرا تعامل الهی-انسانی اغلب فراتر از درک ماست. ما معتقدیم که مسیح، خدا و انسان است، اگرچه نمی‌توانیم تجسم را به طور کامل توضیح دهیم. این یک تشبیه خوب است.

ما به تجسم پسر خدا ایمان داریم. روح القدس این کار را انجام داد. او باعث شد که مریم باردار شود.

، او بر شما سایه خواهد افکند ، و آنچه که ما در شما به دنیا آورده‌ایم، پسر مقدس خداست . لوقا ۱، متی ۱
 دو بار . این لقاح از جانب خدا خواهد بود .

به ما می‌گوید که خدا این کار را کرده است . اما به ما نمی‌گوید که روش، شیوه، حالت و دقیقاً چگونه این کار را
 انجام داده است . در الهام کتاب مقدس نیز همین‌طور است .

دغدغه خداوند این است که ما محصول نهایی را همان کلام خدا به زبان بشر بدانیم، نه اینکه تمام ابزارهایی را
 که خدا به کار برده است، درک کنیم . شاید او از ابزارهای مختلفی استفاده کرده باشد . واقعاً به ما گفته نشده
 است .

ما معتقدیم که مسیح هم خدا و هم انسان است، اگرچه نمی‌توانیم تجسم او را به طور کامل توضیح دهیم . به
 همین ترتیب، ما معتقدیم که کتاب مقدس کلام خداست، بدون اینکه نحوه الهام را به طور کامل درک کنیم
 . ما می‌دانیم که خدا از طریق مردم کار می‌کند تا کلام خود را به ما برساند .

نتیجه، همان کلام خدا است که نوشته شده، یعنی کتب مقدس . دوم تیموتائوس ۳:۱۵، کتب مقدس . پولس
 می‌نویسد که از کودکی، شما کتب مقدس، کتب مقدس و کتب مقدس را می‌شناسید، که می‌تواند شما را برای
 نجات از طریق ایمان به عیسی حکیم کند .

روش‌هایی که خداوند از ما برای انجام این کار استفاده می‌کند و کتب مقدس را به ما می‌دهد، همچنان یک راز
 است . الهام ارگانیک، همکاری الهی-انسانی، یک توافق، یک تلاقی، دو رودخانه که به هم می‌رسند را تأیید
 می‌کند . این با زبان و پیام کتاب مقدس مطابقت دارد، که نتایج الهام را به ما می‌گوید، اما اطلاعات کمی در
 مورد ابزارهایی که خداوند به کار گرفته است، ارائه می‌دهد .

من در این مورد بیشتر توضیح می‌دهم زیرا خوب است که فکر نکنیم بیشتر از آنچه می‌دانیم می‌دانیم . خوب
 است که محدودیت‌های خود را درک کنیم و به سکوت‌های خدا احترام بگذاریم . ما الهام کامل، تمام و کمال
 . لفظی و کلامی کتاب مقدس را بر اساس دوم تیموتائوس ۳:۱۶ تأیید می‌کنیم .

تمام کتاب مقدس از الهام خداست . جامع بودن به این معنی است که نه تنها بخش‌های کتاب مقدس، بلکه
 کل کتاب مقدس، کلام خداست . لفظی بودن به این معنی است که نه تنها ایده‌ها، مانند برخی از آن
 نظریه‌های ضعیف شهود و اشراق، و حتی نظریه پویا، بلکه ایده‌ها و کلمات نیز کلمات خدا هستند .

شما می‌گویید، اما آنها کلمات انسانی نیز هستند . ما قبلاً از آن عبور کرده‌ایم . نمی‌توانیم آن را توضیح دهیم، اما
 آنها کلمات خدا در قالب کلمات انسانی هستند .

الهام به نویسندگان و نوشته‌های آنها، به فرآیند و محصول کتاب مقدس، عمدتاً دومی، مربوط می‌شود . عیسی
 و حواریونش الهام شفاهی را تأیید می‌کنند . عیسی فرمود، تا آسمان و زمین از بین نرود، کوچکترین حرف یا
 نقطه‌ای از شریعت از بین نخواهد رفت تا همه چیز به انجام برسد .

متی ۱۸: ۵ . نکته‌ی او در متی ۲۲:۳۲ بر زمان فعل در خروج ۳:۶ استوار است . من خدای ابراهیم، اسحاق و
 یعقوب هستم . پولس می‌گوید او خدای زندگان است، نه خدای مردگان . عیسی می‌گوید

به همین ترتیب، نکته‌ی پولس در غلاطیان ۳:۱۶ بر اسم مفرد در پیدایش ۱۲:۷ استوار است . و پولس
 می‌گوید، او گفته است «ذریه» و نه «نسل» . «ذریه» به مسیح اشاره دارد و نه «ذریه» مربوط به قوم خدا
 در واقع، پولس این ایده را در غلاطیان ۳ به هر دو صورت به کار می‌برد . بعداً، او از آن به معنای جمع و جمع

استفاده می‌کند، اما وقتی می‌گوید عیسی «ذریه» «و از نسل ابراهیم است، به جای اسم جمع، از اسم مفرد استفاده می‌کند تا ادعای خود را اثبات کند.

علاوه بر این، خداوند نوشته‌های کلام مقدس را هدایت می‌کند تا افکاری را که او می‌خواهد منتقل کند کلمات، افکار را منتقل می‌کنند. بنابراین، ما نمی‌توانیم در مورد الهام کلمات جدا از افکار صحبت کنیم، و نمی‌توانیم در مورد اینکه خداوند افکار را جدا از کلمات عطا می‌کند صحبت کنیم.

کل هدف کلمات، القای افکار است. بنابراین او جدا از کلمات، افکار را القا نکرد. در واقع این غیرممکن است.

او کلمات را بیان نکرد، تا ما ممکن است روی کلمات تمرکز کنیم و افکارمان را نادیده بگیریم. نه، او کلمات را بیان کرد تا بتوانیم افکار، نتایج الهام را درک کنیم. ما از آن دوران بسیار گذشته‌ایم.

گذشته؟ اوه. متاسفم — نتایج الهام

میشه برگردی به قبلی؟ ببخشید. این یکی چی میگه؟ آهان، باشه. بله، کل اسلاید بعدیه.

ببخشید. نتایج الهام. بذارید یه مرور کلی بکنم.

نتایج حیاتی از این واقعیت ناشی می‌شود که خدا نویسنده نهایی کتاب مقدس است. به همین دلیل، کتاب مقدس کلام خداست. اول از همه، معتبر است.

دوم، بی‌خطا، به درستی فهمیده شده، کافی، واضح و مفید است. ما این ایده‌های مهم را یکی پس از دیگری در چند سخنرانی بعدی بررسی خواهیم کرد. کتاب مقدس کلام خداست.

این کتاب معتبر، بی‌خطا، کافی، واضح و مفید است. کتاب مقدس کلام خداست. ما قبلاً به کارل اف. اچ. هنری، یک رهبر فوق‌العاده، اشاره کردیم.

خب، در این توصیف کوتاه از او خواهید دید. من نقل قولی از هنری را معرفی می‌کنم. هنری، ۱۹۱۳ تا ۲۰۰۳ یک متکلم باپتیست انجیلی آمریکایی بود که به رهبری جنبش انجیلی در اواسط تا اواخر قرن بیستم کمک کرد.

او به ایجاد انجمن الهیات انجیلی برای تشویق گفتگوی آکادمیک بین انجیلی‌ها کمک کرد. او سردبیر و بنیانگذار مجله مسیحیت امروز به عنوان صدای علمی مسیحیت انجیلی و چالشی برای قرن مسیحیت لیبرال بود. در سال ۱۹۷۸، او بیانیه شیکاگو در مورد بی‌خطایی کتاب مقدس را امضا کرد.

او مشهورترین اثر خود، کتاب شش جلدی «خدا، وحی و اقتدار» را در سال ۱۹۸۳ به پایان رساند. با نقل قول از کارل هنری تحت این نکته که در نتیجه الهام، کتاب مقدس کلام خداست. نقل قول، وحی خدا ارتباطی منطقی است که در قالب ایده‌های قابل فهم و کلمات معنادار بیان می‌شود.

یعنی به شکل کلامی مفهومی. واسطه در تمام وحی الهی، لوگوس ابدی، عیسی، ازلی، مجسم و اکنون جلال یافته است. وحی خدا، چه از نظر محتوا و چه از نظر شکل، منحصرأ شخصی است.

خداوند نه تنها خود را به طور کلی در تاریخ کیهان و ملت‌ها آشکار می‌کند، بلکه در تاریخ بیرونی نیز به صورت رستگاری بخش در اعمال نجات بخش منحصر به فرد ظاهر می‌شود. به عنوان مثال، خروج، کلیسا و غیره. اوج وحی خاص خداوند، عیسی ناصری، تجسم شخصی خدا در جسم است.

در عیسی مسیح، منبع و محتوای وحی با هم تلاقی می‌کنند و بر هم منطبق می‌شوند. عیسی ناصری صرفاً حامل یک اقتدار الهی درونی نیست. او خود کلمه در جسم است.

ما به چهار دلیل تأیید می‌کنیم که کتاب مقدس کلام خداست. اول، به طور معمول با کلام خدا برابر دانسته می‌شود و به عنوان نوشته‌های مقدس شناخته می‌شود، دوم تیموتائوس ۳:۱۵. از جانب خدا دمیده شده است، آیه ۱۶.

این کلام است، دوم تیموتائوس ۴:۲. این حقیقت است، دوم تیموتائوس ۴:۴. پولس با گفتن این مطلب، زمینه جدیدی را ایجاد نمی‌کند، بلکه آنچه را که از عهد عتیق می‌داند به تیموتائوس یادآوری می‌کند. در واقع متونی مانند مزمور ۱۹، ۷-۱۱ با استفاده از تکرار برای تأثیرگذاری بهتر، تأکید می‌کنند که کتاب مقدس کلام خداوند است. ما قبلاً مزمور ۱۹، ۱-۶ را هنگام مطالعه مکاشفه عمومی خوانده‌ایم.

حالا، مزمور ۱۹:۷-۱۱، به بررسی مکاشفه ویژه در کتاب مقدس می‌پردازیم. فوق‌العاده است که مزمورنویس و داوود هر دو را با هم ترکیب کرده‌اند. مزمور ۱۹:۷، شریعت خداوند کامل است.

کمبودی ندارد. احیای روح نیز از نظر اخلاقی کامل است، و شاید این ایده اصلی در اینجا باشد. این روح را احیا می‌کند.

این ما را از نظر روحانی تازه می‌کند. این قوم خدا را تازه می‌کند. این در گذشته، در عهد عتیق، آنها را تازه کرده است.

این [کتاب] امروز به قوم خدا طراوت می‌بخشد. شهادت خداوند، که در اینجا کلمه دیگری برای کتاب مقدس است، مطمئن است. قابل اعتماد است و ساده‌لوحان را حکیم می‌سازد.

ساده‌لوح در ادبیات حکمت‌آمیز کتاب مقدس به معنای کسانی است که به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. برای مثال، جوانان و دیگرانی که به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آه، چون کلام خدا قابل اعتماد است، حتی ساده‌لوحان را نیز خردمند می‌کند.

احکام خداوند، مترادف دیگری برای کتاب مقدس، درست هستند و دل را شاد می‌کنند. فرمان خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند. کلام خدا از نظر اخلاقی پاک است.

کتاب مقدس، نوشته‌های مقدس هستند. همانطور که یهودیان گفتند، به طرز شگفت‌آوری، آنها کلام خدا را حفظ کردند، کلامی که مرتباً در شریعت، پیامبران و نوشته‌ها آنها را قضاوت و محکوم می‌کرد. باورنکردنی است.

چرا؟ چون می‌دانستند که کلام مقدس خداست. آنها آن را طومارهای عهد عتیق می‌نامیدند، طومارها. کتاب‌هایی که دست‌ها را آلوده می‌کنند. فرمان خداوند پاک است و چشم‌ها را روشن می‌کند.

ترس از خداوند یا مترادف با کتاب مقدس است یا شاید نتیجه کتاب مقدس. ترس از خداوند پاک است. باز هم، ویژگی اخلاقی مدام در حال ظهور است و برای همیشه پایدار می‌ماند.

کلام خدا پایدار است. احکام خداوند کاملاً درست و عادلانه است. آنها از طلا، حتی طلای ناب، شیرین‌تر و از عسل و قطرات شانه عسل شیرین‌ترند.

نویسنده، داوود، مطلوبیت کلام خدا را نشان می‌دهد. کلام خدا مطلوب‌تر از آن چیزی است که ما می‌گوییم، از پول و دارایی. از غذای مورد علاقه‌تان شیرین‌تر است.

البته گذشتگان شیرینی را به خاطر غسل می‌دانستند. علاوه بر این، آنها بنده شما را هشدار می‌دهند. این نشان دهنده سودمندی کتاب مقدس است.

دوم تیموتائوس ۳:۱۶، تمام کتب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم، سرزنش، اصلاح و تربیت در پارسایی مفید است. سرزنش به ما نشان می‌دهد که کجا اشتباه می‌کنیم و اصلاح به ما نشان می‌دهد که چگونه آن را اصلاح کنیم. در مزمور ۱۹، آیه ۱۱، به وسیله کلام خدا، بنده تو از طریق آنها هشدار داده می‌شود و در حفظ آنها پاداش بزرگی وجود دارد.

این متنی که خواندیم نشان می‌دهد که کلام خدا، کلام اوست. او از آن برای تحقق اهداف خود در زندگی قومش، تطهیر آنها، هدایت آنها، هشدار دادن به آنها و تشویق آنها استفاده می‌کند. و خدا نیکو است و کلام نیکوی خود را به ما می‌دهد.

دوم، همانطور که دیدیم، خدا نویسندگان را هدایت می‌کند تا کتاب مقدس از او الهام گرفته شود. دوم پطرس و ۲۱، دوم تیموتائوس ۳:۱۶. این الهام پویا و کلامی است ۱:۲۰.

کار ماوراءالطبیعه روح القدس بر نویسندگان انسانی کتاب مقدس، به طوری که آنها آنچه را که خدا قصد داشت حقیقت خود را منتقل کند، بنویسند. این تعریف هم از عمل خدا توسط روحش در نویسندگان انسانی و هم از ماهیت متن حاصل سخن می‌گوید. سوم، کتاب مقدس ویژگی‌های خدا را دارد و عملکردهای کلیدی را برای او انجام می‌دهد.

در مزمور ۱۹، همانطور که در بالا نقل شد، این الگو را داریم. سپس شریعت خداوند، مترادف با کتاب مقدس، شرح داده می‌شود. و سپس او می‌گوید، نویسنده می‌گوید، داوود می‌گوید، که این شریعت چه دستاوردهایی دارد.

واژه «کتاب مقدس»، که مترادف آن است، کاربرد، هدف، شریعت، شهادت، احکام، فرامین و قوانین آن را توصیف می‌کند. اینها روش‌های مختلف اشاره به کلام مقدس خدا هستند. این کلام در مجموع کامل، مطمئن، درست، خالص، ناب، پاک، درست و عادل است.

جان را زنده می‌کند، ساده‌لوح را حکیم می‌سازد، دل را شاد می‌کند، چشم را روشن می‌سازد و تا ابد پایدار می‌ماند. این الگوی زیبا است که به ما در مورد سودمندی کلام مقدس خدا می‌آموزد. از آنجا که کلام خدا این نشانه‌ها، توصیف‌کنندگان مزمور ۱۹، را داراست، در تحقق اهداف خدا مؤثر است.

زندگی را تجدید می‌کند، حکمت می‌آورد، شادی می‌پروراند، حقیقت را می‌آموزد، هشدار می‌دهد و به برکت منجر می‌شود. چهارم، عیسی و حواریون بسیاری از عبارات عهد عتیق را به خدا نسبت می‌دهند که در اصل به او نسبت داده نشده‌اند. ما این موضوع را در سخنرانی بعدی خود بررسی خواهیم کرد و در ادامه به سایر نتایج الهام خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۱۷ است، مکاشفه ویژه، کتاب مقدس، ارزیابی هفت دیدگاه الهام، الهیات الهام، نتایج الهام.